

فصلنامه ژئوپلیتیک - سال هفدهم، شماره سوم، پاییز ۱۴۰۰ Scopus

صص ۱۶۹-۱۴۲

ژئوپلیتیک و توسعه طلبی ارضی آلمان نازی: تأثیر اندیشه‌های کارل هاس هوفر بر هیتلر

سید نادر نوربخش* - کاندیدای دکتری جغرافیای سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

دکتر فرج‌الله احمدی - دانشیار تاریخ، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۰۵

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۰

DOR:20.1001.1.17354331.1400.17.63.6.1

چکیده

ارتباط تاریخی میان دانش ژئوپلیتیک و رژیم آلمان نازی باعث شد تا این رشته در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم مدت‌ها مورد بی‌توجهی قرار گرفته و از محافل آکادمیک حذف شود، این مقاله با هدف بررسی رابطه میان ژئوپلیتیک و آلمان نازی به مطالعه چگونگی نفوذ اندیشه‌های کارل هاس هوفر بر هیتلر پرداخته و تأثیر آن بر سیاست خارجی رایش سوم و همچنین توجهات علمی توسعه‌طلبی ارضی نازی‌ها را با روش توصیفی-تحلیلی ارزیابی می‌کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد هاس هوفر با توسعه مفاهیمی هم‌چون فضای حیاتی، اوتارکی، مرزهای سیال و ابرمنطقه‌ها در تحولات منتهی به جنگ جهانی دوم تأثیرگذار بود که از جمله می‌توان به پیمان ضدکمیترون، کنفرانس مونیخ، الحاق چکسلواکی و حمله به لهستان اشاره کرد، با این حال در آثار انگلیسی زبان منتشر شده نسبت به میزان تأثیر هاس هوفر و نقش دانش ژئوپلیتیک در تحولات جنگ جهانی دوم اغراق و سیاه‌نمایی صورت پذیرفته است، در حالی که هاس هوفر در سال‌های جنگ اختلافاتی با نازی‌ها داشت و حمله به شوروی نیز مخالف نظریات وی بود.

واژه‌های کلیدی: ژئوپلیتیک آلمانی، کارل هاس هوفر، هیتلر، آلمان نازی، جنگ جهانی دوم.

۱. مقدمه

پس از سقوط جمهوری وایمار (۱۹۳۳-۱۹۱۸) به قدرت رسیدن نازی‌ها به رهبری هیتلر، آلمان بر پایه ناسیونالیسم به دنبال توسعه فضای حیاتی بود.

طی دهه ۱۹۳۰ رویدادهایی همچون نادیده گرفتن معاهده پاریس، میلیتاریزه کردن ناحیه راینلند، الحاق اتریش، تصرف سودتلند (Suppan, 2019) و دیگر رخدادهایی که قبل از آغاز جنگ جهانی دوم به وقوع پیوست، همگی انعکاسی از سیاست توسعه‌طلبی آلمان نازی بود که ریشه در تحولات اقتصادی سیاسی و فرهنگی پس از استقرار جمهوری وایمار و حتی سال‌های قبل از جنگ جهانی اول داشت. در این میان نقش متفکران آلمانی از جمله پروفیسور کارل هاس‌هوفر^۱ تئورسین برجسته ژئوپلیتیک دولت نازی‌ها ملقب به پدر ژئوپلیتیک آلمان قابل توجه است. این اهمیت و واکنش‌ها نسبت به وی در حدی بود که در سال‌های بعد از جنگ جهانی دوم، ژئوپلیتیک به عنوان دانش نازی‌ها شناخته و به عرصه فراموشی سپرده شد؛ اما تحولات دوران جنگ سرد و ظهور کشورهای تازه استقلال یافته جهان سوم و مستقل، لزوم بازنگری در ژئوپلیتیک را یادآوری نمود. امروزه کمتر مجله یا حتی برنامه تلویزیونی وجود دارد که مفاهیم ژئوپلیتیکی در آن‌ها استفاده نشود؛ از جمله می‌توان به ژئوپلیتیک نفت، ژئوپلیتیک انرژی، قدرت‌های بزرگ، ژئوکالچر، قدرت‌های دریایی، قدرت‌های هسته‌ای، اطلاعات استراتژیک و غیره اشاره کرد.

در مورد ژئوپلیتیک آلمانی و ارتباط آن با نازی‌ها عده‌ای بر این عقیده‌اند که کارل هاس‌هوفر پدر معنوی هیتلر و مغز متفکر نازیسم بوده است، آن‌ها هاس‌هوفر را شخصی تصور می‌کنند که مدیریت مرکزی که با هزاران کارمند بر عهده داشته که سیاست‌های آلمان نازی را در موسسه ژئوپلیتیک مونیخ تدوین می‌کرد و نقش بسیار پر رنگی در رخدادهای تاریخ جهان ایفا کرده است. حتی برخی به او لقب نابغه شیطان^۲ داده‌اند یا پا را فراتر گذاشته و هاس‌هوفر را کسی

1. Sudetenland
2. Karl Haushofer
3. Evil genius

می‌دانند که حرف‌هایش از زبان هیتلر بیرون آمد و کسی بوده که دستور کار هیتلر را می‌نوشته است (Thorndike, 1939: 109).

اهمیت پژوهش در مورد هاس هوفر و نقش آن در تحولات جنگ جهانی دوم و یا موضوعیت ارتباط ژئوپلیتیک آلمانی با نازی‌ها از آنجایی است که در سال‌های اخیر گسترش جریان راست افراطی و ملی‌گرایی در اروپا و دیگر نقاط جهان باعث پررنگ‌تر شدن اهمیت مفهوم مرز شده و هم‌زمان به کشور به عنوان یک واحد نقش مهم و برجسته‌ای ایفا کرده است، (Saha, 2020) از سویی دیگر هم با افول دیدگاه‌های پیشین نسبت به لیبرالیسم و جهانی‌شدن که سخن از پایان اهمیت جغرافیا و حتی برچیده شدن مرزها می‌گفتند، بر عکس امروزه جغرافیا اهمیت دو چندانی پیدا کرده (Said Ali, 2019) و ژئوپلیتیک به مفهوم کلاسیک آن بار دیگر مورد توجه قرار گرفته است.

این پژوهش در پی این پاسخ است که آیا ژئوپلیتیک آلمانی به عنوان یک دانش مورد حمایت نازی‌ها مسئول وقایع و تحولات منتهی به جنگ جهانی دوم و توسعه‌طلبی ارضی آلمان بوده است؟ و اینکه کارل هاس هوفر تا چه اندازه‌ای بر هیتلر و تصمیمات کلان رژیم نازی تأثیرگذار بوده است؟

بر همین اساس ابتدا زندگی هاس هوفر شامل دوران فعالیت نظامی، حضور در جنگ جهانی اول و تدریس در دانشگاه طی جمهوری وایمار مورد بررسی قرار گرفته سپس چگونگی آشنایی وی با هیتلر و آموزش مفاهیم ژئوپلیتیک در زندان لاندزبورگ و همچنین اقدامات عملی هاس هوفر در طی دوران نازی‌ها (۱۹۳۳ الی ۱۹۴۵) مورد مطالعه قرار می‌گیرد. در نهایت نیز اندیشه‌های وی از جمله تأثیر مفاهیم فضای حیاتی، اوتارکی (خودبسندگی)، مرزهای سیال و ابرمنطقه‌ها در سیاست خارجی آلمان مورد ارزیابی قرار می‌گیرد و میزان تأثیر هاس هوفر و دانش ژئوپلیتیک بر تحولات جنگ جهانی دوم بررسی می‌شود.

۲. روش تحقیق

روش این پژوهش توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری داده‌ها از نوع کتابخانه‌ای است. در همین

راستا سعی شده است منابع جدید لاتین از جمله کتاب‌ها و مقالات آکادمیک و همچنین منابع معتبر در پایگاه‌های اینترنتی در مورد زندگی هاس‌هوفر و ارتباط وی با نازی‌ها مورد ارزیابی قرار گیرد.

۳. ادبیات پژوهش

در میان پیشینه پژوهش آثار لاتین به نظر می‌رسد در سال‌های اخیر موضوع هاس‌هوفر به شکل فزاینده‌ای مورد توجه پژوهشگران قرار گرفته است، برخی از این پژوهش‌ها بیشتر بر جنبه زندگی وی و فرزندش (آلبرشت) و سرنوشت همکاری آن‌ها با نازی‌ها پرداخته است، از جمله این مقالات می‌توان به "همدستی پیچیده و چالش اخلاقی: هاس‌هوفر پدر، پسر و فضای ژئوپلیتیک نازی اشاره کرد که توسط بانز و ابراهامسون^۱ و در سال ۲۰۱۵ در ژورنال جغرافیای تاریخی^۲ منتشر شده است. هم‌چنین کتاب‌های مختلفی به بررسی اندیشه‌های کارل هاس‌هوفر و ژئوپلیتیک آلمانی از منظر تاریخی پرداخته‌اند، از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به کتاب ژئوپلیتیک شیطانی^۳ نوشته هرویگ^۴ در سال ۲۰۱۶ اشاره کرد که بیوگرافی معتبری در زندگی هاس‌هوفر تلقی می‌شود، به غیر از این ولکرزدورفر^۵ در اثر خود با نام "کارل هاس‌هوفر و ژئوپلیتیک"^۶ ژئوپلیتیک آلمانی و هاس‌هوفر را به روش تحلیل گفتمان مورد بررسی قرار داده است، وی معتقد است این گفتمان در سال‌های منتهی به جنگ جهانی دوم بسیار قدرتمند شده بود و حداقل در آلمان از جایگاه هژمونیک برخوردار بود. باسونی^۷ نیز در مقاله‌ای^۸ که در سپتامبر ۲۰۱۹ در ژورنال اروپای مرکزی کمبریج منتشر کرد به‌طور ویژه به نقش هاس‌هوفر در تعمیق روابط ایتالیای فاشیست و آلمان نازی پرداخته است.

1. Tangled complicities and moral struggles: the Haushofers, father and son, and the spaces of Nazi geopolitics
2. Trevor J. Barnes and Christian Abrahamsson
3. Journal of Historical Geography
4. The Demon of Geopolitics
5. Holger H. Herwig
6. Wolkersdorfer
7. Karl Haushofer and geopolitics
8. Nicola Bassoni
9. Karl Haushofer as a "Pioneer" of National Socialist Cultural Diplomacy in Fascist Italy

بخش دیگری از آثار مرتبط به هاس هوفر در واقع در چارچوب فصلی از پژوهش در مورد سران رژیم آلمان نازی و به ویژه رودلف هس صورت پذیرفته که در سال‌های اخیر بسیار مورد توجه پژوهشگران و رسانه‌ها قرار گرفته است. هس که مقام معاونت هیتلر را در اختیار داشت از چهره‌های مهم و جنجالی در آلمان نازی تلقی می‌شود، به طوری که تا امروز (۲۰۲۰) و با وجود گذشت بیش از هشتاد سال از رخداد‌های مرتبط با وی هنوز میراث او در جامعه و صحنه سیاسی آلمان تأثیرگذار است و در تظاهرات‌های مختلف که توسط گروه‌های راست رادیکال و نئونازی‌های آلمان ترتیب داده می‌شود جملات منصوب به وی از جمله " از هیچ چیز پشیمان نیستم " و یا تصاویر او استفاده می‌شوند (Wildman, 2017).

در میان منابع فارسی زبان آثار مختلفی از جمله به تاریخ ژئوپلیتیک پرداخته‌اند که در آن‌ها ذیل بخش مربوط به نظریه‌های ژئوپلیتیک کلاسیک و مرور آرای بنیانگذاران این رشته در موارد متعددی ژئوپلیتیک آلمانی و نیز اندیشه‌های هاس هوفر مورد بررسی قرار گرفته‌اند، (از جمله آن‌ها می‌توان به کتاب تحولات پنج دهه اندیشه و جستار در جغرافیای سیاسی اثر دره میرحیدر اشاره کرد) با این وجود کمتر منبعی را می‌توان یافت که به طور اختصاصی و تفصیلی به کارل هاس هوفر و چگونگی روابط وی با هیتلر و حمایت نازی‌ها از این رشته بپردازد و از سوی دیگر نقش مهم افرادی چون رودلف هس در این میان مورد غفلت قرار گرفته است، در واقع می‌توان گفت در آثار فارسی زبان به هاس هوفر در مقایسه با دیگر چهره‌های مطرح ژئوپلیتیک کلاسیک (مانند راتزل، مکیندر، ماهان و...) کمتر پرداخته شده است و پژوهش جاری در تلاش است تا این کمبود را پر نماید.

باید توجه داشت که بسیاری از ادبیات تولیدی در مورد هیتلر و آلمان نازی در جهان جنبه آکادمیک ندارد، در واقع می‌توان گفت حجم قابل توجهی از محتوای تولیدی در این موضوع ناشی از تئوری توطئه است، بخشی از این در تولید آثار عامه پسند و چندرسانه‌ای در جهان به چشم می‌خورد که اغلب با پررنگ کردن معماها و شایعات در راستای جذب مخاطب یا فروش

بیشتر آثار تلاش می‌کنند، برای مثال شبکه هیستوری چنل^۱ با لوگوی مشهور H در ایالات متحده به مزاح هیتلر چنل^۲ یا شبکه هیتلر نامیده می‌شده است (Schone, 1997). برخی از مستندهای تولیدی در مورد تاریخ جنگ جهانی دوم نیز بیشتر آثار عامه‌پسند و معماگونه با هدف سرگرمی است، در همین راستا اکثر محتوای تولیدی در مورد هاس‌هوفر، وی را نابغه‌ای شیطنانی معرفی کرده‌اند که مسئول بسیاری از رخدادهای جنگ جهانی دوم بوده است. هم‌چنین اغلب آثار در مورد نازی‌ها تنها رخدادهای طی جنگ جهانی دوم را مورد ارزیابی قرار می‌دهد و سال‌های دهه ۱۹۳۰ و شرایط آن کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۴. یافته‌های پژوهش

۴-۱. هاس‌هوفر از مستشاری نظامی در ژاپن تا پایان جنگ جهانی اول (۱۹۰۸-۱۹۱۸)

کارل هاس‌هوفر در سال ۱۸۶۹ در شهر مونیخ زاده شد، پدر وی ماکس هاس‌هوفر استاد دانشگاه مونیخ و از دوستان فردیش راتزل^۳ استاد برجسته جغرافیای سیاسی بود. راتزل در سال ۱۸۹۷ کتاب مشهور خود با عنوان جغرافیای سیاسی^۴ را به رشته تحریر در آورد که بعدها سنگ بنایی برای افرادی چون کارل هاس‌هوفر گردید تا آن را توسعه دهند. هاس‌هوفر در ۱۸ سالگی وارد ارتش امپراطوری آلمان شد و با طی کردن مدارج ترقی در سال ۱۹۰۳ در آکادمی ارتش در باواریا مشغول به تدریس شد. نخستین فصل مهم در زندگی هاس‌هوفر فعالیت وی به عنوان مستشار نظامی در ژاپن بود، هاس‌هوفر در سال ۱۹۰۸ به مدت دو سال به ژاپن فرستاده شد، در این مدت مشاهده پیشرفت‌های این کشور در راه مبدل شدن به یک ابرقدرت به قدری بر او تأثیر گذاشت که پس از بازگشت به مونیخ کتابی در این مورد با نام ژاپن کبیر^۵ منتشر نمود. وی در این کتاب قدرت بالقوه نظامی ژاپن و آینده این کشور را مورد ارزیابی قرار داد و در آن رهبری آهنین، نژاد برتر، روش سامورایی و جنگ‌های عادلانه را رمز پیشرفت این کشور دانست.

-
1. History Channel
 2. Hitler Channel
 3. Friedrich Ratzel
 4. Politische Geographie
 5. Dai Nihon

هاس هوفر رساله دکتری خود را هم در این زمینه به رشته تحریر در آورد و هم‌زمان با یادگیری زبان ژاپنی، رشد سریع اقتصادی نظامی و سیاسی این کشور را تحسین کرد (Herwig, 2010: 3) وی هم‌چنین شباهت‌هایی میان ژاپن و آلمان پیدا کرد و ارتباط نزدیکی با خانواده سلطنتی ژاپن برقرار نمود. در همین برهه هاس هوفر سفرهایی به منطقه مدیترانه، کانال سوئز، سنگاپور، برمه، چین، کره، منچوری و سیبری داشت (Mavric, 2017: 16). دومین بخش تأثیرگذار در زندگی هاس هوفر را می‌توان وقوع جنگ جهانی اول دانست، با آغاز جنگ در سال ۱۹۱۴ وی به فعالیت مجدد در ارتش فراخوانده شد و در رسته توپخانه باواریا خدمت کرده و به مقام ژنرال رسید. او از جمله مخالفان تسلیم آلمان در سال ۱۹۱۸ بود و این مسئله اثر مخربی بر وی گذاشت. هاس هوفر نیز همانند بسیاری از همفکران ناراضی از معاهده ورسای، شکست آلمان را نتیجه صلح طلبان، سوسیالیست‌ها، لیبرال‌ها و سرمایه‌داران می‌دانست (Herwig, 1999: 224).

۲-۴. هاس هوفر در جمهوری وایمار و تدریس ژئوپلیتیک (۱۹۱۹-۱۹۳۳)

هاس هوفر در سال ۱۹۱۹ پس از ۳۵ سال فعالیت از ارتش خارج و به فعالیت‌های آکادمیک روی آورد و سرانجام در دانشگاه مونیخ به تدریس جغرافیای سیاسی پرداخت. لازم به یادآوری است آلمان در دهه ۱۹۲۰ یک کشور شکننده و بدون رهبر سیاسی بود. هاس هوفر نیز علاقه‌مند بود تا نظریات خود در مورد فضای حیاتی را از طریق یک سیاستمدار به مرحله اجرا بگذارد، این فرصت بزودی از طریق یکی از دانشجویان جوان وی در دانشگاه مونیخ به نام رودلف هس^۱ مهیا شد. این ارتباط میان هس و هاس هوفر به رابطه‌ی دوستانه تبدیل شد و پس از چندی هس به یکی از دانشجویان مشتاق او مبدل گردید.

رودلف هس بعدها و از سال ۱۹۳۳ معاون هیتلر شد و کسی بود که سخنان هیتلر را در کتاب نبرد من به رشته تحریر در آورد، او در جنگ جهانی اول به عنوان خلبان شرکت داشت و مانند هیتلر معتقد بود شکست آلمان در جنگ جهانی اول نه یک شکست نظامی بلکه حاصل خیانت یهودی‌ها و بلشویک‌ها بوده است. وی در سال‌هایی که به تازگی از معاهده ورسای می‌گذشت در دانشگاه مونیخ مشغول به تحصیل شد و در آنجا نزد استاد خود هاس هوفر به فراگیری دانش

ژئوپلیتیک پرداخت، یکی از تأثیرات مهم هس آشنا کردن هیتلر با استاد جغرافیای سیاسی اش یعنی پروفیسور هاس هوفر بود آدولف هیتلر در آن هنگام در آغاز راه فعالیت سیاسی قرار داشت. بدینسان هیتلر نیز با مفهوم ژئوپلیتیک آشنا شد (Fischer, 2013:47)، به عقیده پژوهشگران این امر اثر مهمی در سرنوشت آلمان و جنگ جهانی دوم گذاشت. روابط پروفیسور هاس هوفر و هس در حدی بود که بعد از شکست کودتای آبخو فروشی هس را بطور مخفیانه در مونیخ پناه داد. (Herwig, 1999:224) سرانجام هس و هیتلر پس از مدتی اختفا خود را تسلیم کرده و هر دو مجرم شناخته شده و به پنج سال زندان در لاندزبرگ^۱ در حومه مونیخ محکوم شدند که البته در عمل زندان آنها تنها ۸ ماه به درازا انجامید (Barnes and Abrahamsson 2014:67).

زندان لاندزبرگ اگرچه در ظاهر زندان بود ولی امکانات نسبتاً مناسبی داشت، در این همین زمان بود که هیتلر به نگارش کتاب نبرد من پرداخت که توسط هس به رشته تحریر درآمد. در طی مدت محکومیت هیتلر و هس در زندان، خصوصاً در فاصله ماه‌های ژوئن تا نوامبر ۱۹۲۴ پروفیسور هاس هوفر بالغ بر ۱۰۰ کیلومتر را از مونیخ تا زندان لاندزبرگ طی می‌کرد و منظم به دیدار آنها می‌رفت تا به گفته خودش به عقاب‌های جوان یعنی هیتلر و هس آموزش دهد. (Granieri, 2015:494) در این جلسات هاس هوفر مطالبی در حوزه فلسفه از نیچه و مارکس گرفته تا مباحث نظامی از بیسمارک و کلاوس ویتز^۲ و نیز جغرافیای سیاسی از راتزل و شلین^۳ و آثار خود از جمله ژاپن کبیر را به آنها آموزش می‌داد. پیام وی این بود که تنها در یک صورت آلمان می‌تواند روی پای خود بایستد و آن این است که یاد بگیرد ژئوپلیتیکی فکر کند (Natter, 2003) پژوهشگران معتقدند در اینجا هیتلر اندیشه‌های ضد دموکراتیک، ضد یهودی و رادیکال خود را پرورش داد و با مفاهیمی مانند شکل‌گیری قلمرو، مرزهای تصادفی، فضای حیاتی یا لِبِنسرام^۴، تصرف سرزمین‌های مورد نیاز و غیره آشنا شد که در این مقاله با تفصیل

-
1. Beer Hall Putsch
 2. Landsberg
 3. Mein Kampf
 4. Clausewitz
 5. Kjellén
 6. Lebensraum

بیشتری مورد اشاره قرار خواهند گرفت.

۳-۴. همکاری مستقیم هاس هوفر پس از بقدرت رسیدن نازی‌ها (۱۹۳۳)

مرحله حضور رسمی سیاسی هاس هوفر با بقدرت رسیدن نازی‌ها در سال ۱۹۳۳ آغاز گردید. هاس هوفر در همان سال به ریاست آکادمی آلمان گمارده شد. وی هم‌چنین دارای کرسی دائمی استاد تمام جغرافیای سیاسی در دانشگاه مونیخ بود (Norton, 1968). وی معتقد بود که آلمان توسط حلقه‌ای از کشورهای متخاصم احاطه شده که مهم‌ترین آن‌ها فرانسه لهستان و چکسلواکی بودند. هاس هوفر به شدت امضاءکنندگان معاهده ورسای را مورد نکوهش قرار داده و منتقد جامعه ملل بود و هم‌چنین خواهان ایجاد کشور آلمان بزرگ دربرگیرنده همه آلمانی زبان‌ها زیر یک پرچم واحد بود.

پس از منصوب شدن هاس به معاونت پیشوا او نیز به ریاست کمیسیون منصوب شد که هدف از آن بازبینی و اصلاح تقسیمات کشوری در آلمان بود. هاس هوفر در اینجا فرصت بدست آورد تا پیشنهاد اتصال قلمروهای متصل را مطرح کند امری که بعدها در الحاق چک (سودتلند) الحاق اتریش و نیز حمله به لهستان اتفاق افتاد. نازی‌ها هم‌چنین لیست کاملی از متخصصین در امور جغرافیایی، برنامه‌ریزی شهری و روستایی، معماری و امثالهم تهیه نموده بودند، اصولاً پروژه‌های نازی‌ها تا حد زیادی با فضا ارتباط داشت و این نخبگان در راستای هدف عالی آلمان نازی یعنی توسعه ارضی و تسخیر سرزمین‌ها و اشغال فضای سیاسی، تنظیم مجدد تقسیمات کشوری و کوچ اجباری قومیت‌های خاص به کار گرفته می‌شدند، بنابراین ناسیونال سوسیالیسم آلمان نیز به نوبه خود به جغرافیدانانی نیاز داشت تا با تئوریزه کردن، برنامه‌ریزی، سازماندهی این مسیر را تسهیل نمایند (Barnes and Abrahamsson 2014:65).

هاس هوفر هم‌چنین مسئولیت ژورنال ژئوپلیتیک (Zeitschrift für Geopolitik) را عهده‌دار بود که انتشار آن پس از سال ۱۹۳۳ به بیش از هفتصد هزار نسخه در سال بالغ شد. برآورد می‌شود که وی بطور خاص پیام نیاز به فضای جدید برای گسترش ارضی کشور را از این طریق به گوش بسیاری می‌رساند. به غیر از این، بازتاب آرای وی در بسیاری از نشریات دیگر نیز منتشر می‌شد

و در ابعادی بیشتر در میان کتاب‌های آموزشی دانش‌آموزان و راهنمای تدریس معلمان و نیز کتاب‌های تاریخی جا باز کرده بود (Herwig 1999:230). وی هم‌چنین توسط حزب نازی لقب آموزگار ملت خطاب می‌شد. مهم‌ترین اشتراکات فکری هاس‌هوفر با سران آلمان نازی را می‌توان در آرزوی انتقام از تحقیر آلمان در معاهده ورسای دانست. آلبرشت هاس‌هوفر فرزند کارل هاس‌هوفر نیز جغرافیدان سیاسی بود و در آن هنگام با مسئولیت مشاوره به هس در اندیشه‌های ریبن تروپ حضور داشت^۲ آلبرشت هم‌چنین در طی کنفرانس مونیخ به عنوان متخصص جغرافیای سیاسی حضور داشت.

در واقع می‌توان گفت اصلی‌ترین نتایج عملی کاربرد ژئوپلیتیک و اندیشه‌های هاس‌هوفر مربوط به کنفرانس مونیخ در سال ۱۹۳۸ است. این نخستین باری بود که تئوری به عمل مبدل می‌شد. (Boria, 2008:286) وی کنفرانس مونیخ را روزی برجسته و خجسته در تاریخ ژئوپلیتیک نامید (Herwig, 1999:223) در این توافقنامه که با حضور موسولینی از ایتالیا و چمبرلین از بریتانیا و بدون حضور نماینده‌ای از چکسلواکی برگزار شد هیتلر موفق شد ناحیه سودتولند را به خاک آلمان ملحق کند.

1. Albrecht Haushofer

۲ یکی از مهم‌ترین مأموریت‌های وی در نوامبر ۱۹۳۷ دیدار مخفیانه وی با رییس جمهور چک از طرف نازی‌ها و مذاکرات برای الحاق سودتولند به آلمان در چک بود. منطقه سودتولند طی معاهده ورسای به چک واگذار شده بود و یکی از خواسته‌های هیتلر بازپس‌گیری آن بود. این مذاکرات اهداف مختلفی را دنبال می‌کرد از جمله: پیمان عدم تجاوز بین چک و آلمان، پذیرش استقلال سودتولند، افزایش مبادلات تجاری، عدم انتشار اخبار علیه آلمانی‌های ساکن چکسلواکی و اطمینان از عدم به قدرت رسیدن خاندان هابسبورگ در اتریش (Barnes and Abrahamsson, 2014:69).

شکل (۱): نقشه آلمان در توافق مونیخ ۱۹۳۸



(Source: Facinghistory,2019)

لازم به ذکر است هاس هوفر در مارس ۱۹۳۳، سپتامبر و نوامبر ۱۹۳۷ آوریل و نوامبر ۱۹۳۸ و فوریه ۱۹۳۹ با هیتلر و حلقه مرکزی سران آلمان نازی جلسات حضوری و دیدار مستقیم داشت (Herwig,2010,233). در سال‌های بعدی نیز همکاری‌های هاس هوفر با نازی‌ها به شکل قابل ملاحظه‌ای گسترش یافت، وی در پیمان ضد کمینترن با ژاپنی‌ها نقش مهمی ایفا نموده بود و همچنین از نظامی شدن ناحیه راینلند حمایت کرد. وی در آن سال‌ها به رئیس آکادمی آلمان به مشورت با نظام آلمان نازی ادامه داد و همچنین از معاهده عدم تجاوز میان شوروی و آلمان استقبال کرد، هاس هوفر حمله به لهستان را یک اقدام قهرمانانه و عظیم نامید و نقش مهمی در اتحاد محور برلین و توکیو ایفا نمود او در عین حال نگاه مثبت پیشوا به کشور ژاپن را حاصل تلاش سی ساله خود می‌دانست (Herwig,2010,235).

هاس هوفر در رسانه‌ها نیز حضور فعال داشت و پیام کمبود فضای جغرافیایی برای ملت آلمان را به شیوه‌های مختلف برای شنوندگان بیان می‌کرد وی از سال ۱۹۲۴ فعالیت در رادیو آلمان (دویچه وله) را آغاز کرد و در آن بطور منظم هر ماه به آموزش ژئوپلیتیک از طریق رادیو

می‌پرداخت. (Herwig,2010,232). مورفی در اثر خود معتقد است هاس‌هوفر از هر تریبونی برای اشاعه نظریه خود بهره جست به طوری که سخنان وی از طریق رسانه‌های آلمان به گوش میلیون‌ها نفر می‌رسید (Murphy 1997:106) پیامی که او مخابره می‌کرد این بود که تنها راه احیا عظمت آلمان از مسیر تفکر ژئوپلیتیکی است. مفاهیمی هم‌چون احیای عظمت ملی، توسعه ارضی، مرزهای سیال، نزاع برای قدرت، تنازع برای فضا، جنگ عادلانه، فداکاری در راه میهن و امثالهم مورد بهره‌برداری گسترده نازی‌ها قرار گرفت، به نحوی که می‌توان تأثیر آرا هاس‌هوفر را در ارتش، وزارت خارجه و دولت مشاهده کرد (Herwig 1999:231).

۵. بررسی مفاهیم اندیشه‌های ژئوپلیتیکی هاس‌هوفر

هاس‌هوفر یکی از چهره‌های شاخص ژئوپلیتیک کلاسیک محسوب می‌شود. ژئوپلیتیک دوره کلاسیک به اواخر قرن نوزدهم تا پایان جنگ جهانی دوم یعنی بین سال‌های ۱۸۷۵ تا ۱۹۴۵ برمی‌گردد (Rahimi et al,2019:4) بسیاری از مفاهیمی که هاس‌هوفر از آن‌ها بهره جست در اصل از اندیشمندان پیشین این حوزه الهام گرفته شدند و از ژئوپلیتیک نخستین بار توسط شلین دانشمند سوئدی مطرح شد که آراء وی نیز به نوبه خود متأثر از فردریش راتزل بود. مفهوم تنازع برای بقا داروین در اندیشه‌های هاس‌هوفر به تنازع برای فضای جغرافیایی تبدیل شد، هم‌چنین وی از مفهوم هارتلند سر هالفورد مکیندر هم استفاده نمود. از نظر او مرزها ارگانیزم‌های زنده و در حال حرکت بودند، این مفاهیم در آن هنگام یعنی دهه ۱۸۸۰ و ۱۸۹۰ که دوران گسترش امپراطوری تازه تأسیس آلمان بود خریداران زیادی داشت. ژئوپلیتیک از جمله اصطلاحات رایج در مباحث سیاسی است که کاربردهای بسیاری دارد، اما معانی و تعاریف متنوعی را در برمی‌گیرد (Dorj and Tabatabai,2019:5). ژئوپلیتیک هر موضوعی که سه ضلع قدرت، سیاست و جغرافیا را تحت تأثیر قرار دهد را شامل می‌شود (Karami and Mousavi,2019:161). هرویگ در اثر خود به نقل از دانشنامه وبستر ژئوپلیتیک را این گونه تعریف می‌کند: مطالعه تأثیر پارامترهایی نظیر جغرافیا، اقتصاد و جمعیت بر سیاست و بویژه سیاست خارجی (Herwig,1999:220). دیمتری کیتسیکیس معتقد است ژئوپلیتیک پیوند فضا و زمان

است و ارتباط نزدیکی میان این رشته و تاریخ وجود دارد (Kitsikis, 2017). برخی نیز ژئوپلیتیک را تأثیر جغرافیا بر سیاست می‌دانند (Gottman, 1942:197) اگرچه این مفهوم در طول زمان دچار تحول شده است اما ژئوپلیتیک در ابتدا با توسعه‌طلبی و امپریالیسم در ارتباط بود (Kitsikis, 2017:1) دره میرحیدر ژئوپلیتیک را شیوه‌های قرائت و نگارش سیاست بین‌الملل توسط صاحبان قدرت و اندیشه و تأثیر آن‌ها بر تصمیم‌گیری‌های سیاسی در سطح ملی و منطقه‌ای می‌داند (Mirheydar, 2010:333).

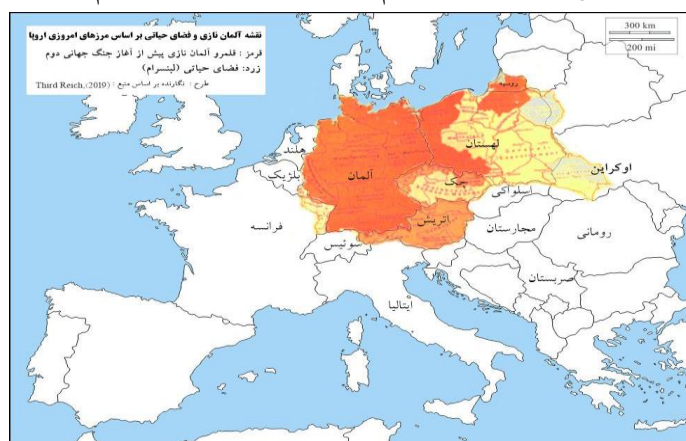
محمدرضا حافظ نیا ژئوپلیتیک را علم مطالعه روابط متقابل جغرافیا، قدرت، سیاست و کنش‌های ناشی از ترکیب آن‌ها با یکدیگر عنوان می‌کند (Hafeznia 2011:37). توسعه ژئوپلیتیک به معنای نوین آن به قرن گذشته باز می‌گردد، نظریه هارتلند یا قلب زمین مکیندر را می‌توان یکی از نخستین قدم‌ها در این مورد دانست، برخی معتقدند کمتر اثر واحدی را می‌توان سراغ داشت که دارای چنین تأثیر گسترده‌ای در توسعه مطالعات سیاسی در قرن بیستم باشد، (Fettweis, 2015:234) او با نگاهی جهانی، برای کره زمین ساختار فضایی سه بخشی قائل بود که کانون آن را هارتلند تشکیل داده و پس از آن به ترتیب هلال داخلی و هلال خارجی قرار داشت (Hafeznia, 2007:1). اثر مکیندر بر اهمیت هارتلند در واقع پاسخی به آلفرد ماهان بود که دریاها را کلید سیطره به جهان می‌دانست، واژه ژئوپلیتیک اما ابداع مکیندر نبود، این واژه نخستین بار در سال ۱۸۹۹ توسط رودلف شلین جغرافیدان سوئدی بکار گرفته شد و فدریش راتزل در تبیین آن نقش مهمی ایفا نمود (Ratzel, 1897). هاس هوفر از تئوری هارتلند مکیندر تأثیر زیادی پذیرفت. در واقع آرزوی تحقق اتحاد میان روسیه و آلمان بر همین اساس بود که شکل گرفت (Brian, 1987:191). وی هم‌چنین از نظریه مکیندر مبنی بر تقابل قدرت‌های بحری و بری هم استفاده کرد که سرزمین‌های وسیع اوراسیا و آفریقا بزرگ‌ترین، پرجمعیت‌ترین و غنی‌ترین ناحیه را در برمی‌گرفت.

میرحیدر در اثر خود اشاره می‌کند که این فردریک راتزل جغرافیدان آلمانی بود که برای نخستین بار به گونه‌ای نظام مند، گزاره‌های فکری این مکتب را در قالب یک نظریه علمی

۱. برای مطالعه بیشتر تعاریف ژئوپلیتیک مراجعه کنید به (Hafeznia, 2011:21-39)

ارائه کرده و با اتکاء به آن، نظریه فضای حیاتی را مطرح نمود. این نظریه اساس و پایه مکتب جغرافیای انسانی آلمان قرار گرفت که بعدها به مکتب ژئوپلیتیک آلمان معروف شد. در واقع می توان گفت که شرایط اجتماعی، سیاسی آلمان ناشی از عدم وحدت سیاسی آن کشور و اندیشه های هگل فیلسوف آلمانی در تشویق ملت آلمان به منظور کسب وحدت، تأثیر بسزایی در تکوین و تکامل این مکتب فکری داشته است (Mirheydar and Hamidinia, 2006:20). لازم به ذکر است راتزل در سال ۱۸۹۷ مفهوم لبنسرام را برای نخستین بار بر پایه داروینیسیم اجتماعی در کتاب جغرافیای سیاسی معرفی کرد (Smith, 1980). از نظر راتزل کشور یک موجودیت زنده داشت، مفهومی از تلفیق انسان و قلمرو که بر اساس اندیشه ایجاد کشور شکل می گرفت. وی معتقد بود یک موجودیت واحد کشوری نمی تواند به جز خود وجود واحد دیگری را در همان قلمرو تحمل کند (Herwig, 1999:220). راتزل کشور را برای بقا و زنده ماندن نیازمند فضا و منابع (برای تغذیه جمعیت) می دانست و معتقد بود که اگر کشور از سوی همسایگان تحت فشار قرار نگیرد مایل به عبور از محدودیت ها و رسیدن به مرزهای طبیعی است. سپس او نظریه فضای حیاتی را ارائه داد. بر این اساس کشور برای بقا و زیستن نیازمند به فضای جغرافیایی یا خانه و زیستگاهی قابل توسعه بود (Hafeznia, 2014: 24).

شکل (۲): نقشه رایش سوم آلمان و فضای حیاتی (لبنسرام)



(Source: Third Reich, 2019)

واژه لسنسرام دو بار در کتاب نبرد من هیتلر هم بکار رفته و آنچه مشخص است حداقل هاس هوفر در نسخه اولیه ژورنال ژئوپلیتیک در ژانویه ۱۹۲۴ که در زندان به هس و هیتلر آموزش می داد از این مفهوم استفاده کرده است (Barnes and Abrahamsson, 2014:68)، البته کرشادر کتاب خود معتقد است هیتلر احتمالاً پیش از زندان هم با مفهوم لسنسرام آشنایی داشته با این حال نخستین سند رسمی از این امر مربوط به آموزش های هاس هوفر در زندان است (Kershaw, 1999:248). هاس هوفر لسنسرام را حق و وظیفه یک کشور برای فراهم نمودن فضا و منابع برای مردم خود می دانست. بر این اساس وجود تفاوت در نرخ رشد جمعیت خود از عوامل ایجاد اصطکاک میان ملت ها در روابط بین الملل محسوب می شود و لذا وظیفه کشور قوی این است که به قیمت از میان رفتن کشور ضعیف وسعت خود را توسعه دهد. این ایده در کتاب مشهور ملت بدون فضا توسط هانس گریم آتبلور پیدا نمود. مارویک معتقد است لسنسرام به شکل گسترش یافته از نظر هاس هوفر از چک، اتریش گرفته تا کشورهای بالتیک، لهستان، مجارستان، کرواسی، صربستان، رومانی، اوکراین راهم شامل می شد (Mavric, 2017:17) که در کمترین حالت دربرگیرنده چک، لهستان و قسمتی از اوکراین امروزی است.

هاس هوفر از شلین مفهوم اوتارکی یا خود بسندگی را الگو گرفت، برای شلین سوئدی کشور یک مفهوم دربرگیرنده قدرت بود، شرط بقا و شکل گیری کشورها نیز وجود قدرت تلقی می شد. بر همین اساس کشورهای نیرومند و قوی که فضای جغرافیایی کمی برای زندگی داشتند (همانند آلمان) نیازمند گسترش و توسعه ارضی قلمداد می شدند. این مفهوم بر موضوع اتکا بر خود و یا خود بسندگی اشاره دارد. یک قدرت بزرگ باید این توانایی را داشته باشد که هر آنچه مورد نیاز است را به تنهایی و بدون نیاز به دیگران تولید کند و از این بابت از واردات بی نیاز باشد. تحریم متفقین در جنگ جهانی اول علیه آلمان نقش مهمی در استقبال از این اندیشه داشت. بر همین اساس بدون تسلط بر سرزمین های اوکراین و بخش اروپایی روسیه و قفقاز امکان خودبسندگی

-
- 1.Kershaw
 - 2.Volk ohne Raum
 - 3.Hans Grimm

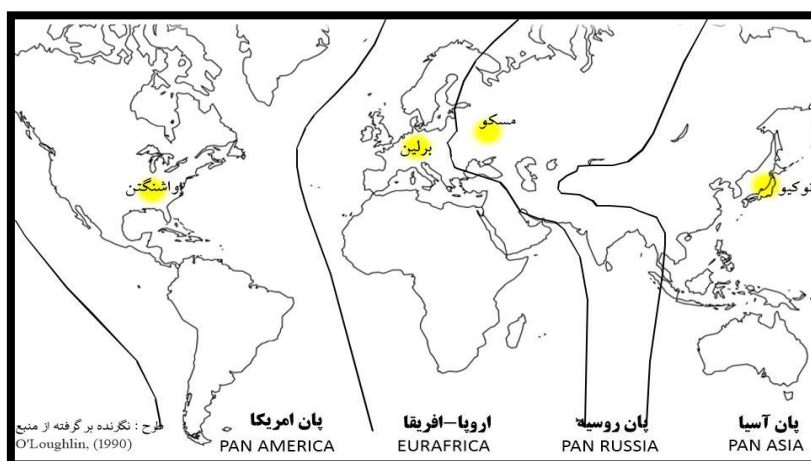
برای کشور اروپایی وجود نداشت (Herwig,1999:226).

نظریه دیگر مهم هاس هوفر مربوط به مرزهای سیال^۱ بود او بر همین اساس نظر حاکم بر آن دوره را مبنی بر مرزهای قانونی یا مرزهای طبیعی را رد کرد. بر این اساس مرزها ماهیت موقت و دینامیک داشتند (Herwig,1999:228) و در تنازعی دائمی به سر می‌برند که قابلیت گسترش و توسعه دارند. وی به این مفهوم قابل تغییر به جای مرز منطقه سرحدی لقب داد که ماهیتی سیال نامشخص و غیرثابت دارد (Herwig,1999:221).

وی هم‌چنین مفهوم پان ریجن یا ابرمنطقه^۲ را توسعه داد. این امر به این معنا بود که هر یک کشور مسلط از نظر فرهنگ و زبان بر منطقه‌ای وسیع نفوذ دارد. پان آمریکا با مرکزیت ایالات متحده، پان آسیا با محوریت ژاپن، اروپا - آفریقا با محوریت آلمان و منطقه پان روسیه (شامل هند) این ابرمناطق بودند. ویژگی این تقسیم‌بندی شمول آنها بر محدوده جغرافیایی گسترده‌ای بود و این اجازه را می‌داد که آلمان بدون تضاد منافع با ایالات متحده دارای مناطق استعماری شود (Flint,2006:21). ایده هاس هوفر در این زمینه از یک سو مطابق با دکترین مونروئه^۳ بود که ایالات متحده را از مداخله در مسائل نقاطی غیر از قاره آمریکا باز می‌داشت و از سوی دیگر هم ناظر بر عدم تقابل منافع آلمان با روسیه و اتحاد میان این دو بود و هم‌چنین قطع نفوذ بریتانیا و آمریکا در امور اروپا را تضمین می‌کرد، امری که امروزه تحت عنوان اوراسیاگرایی^۴ نیز شناخته می‌شود (Darabadi,2014).

-
1. Dynamic Frontiers
 2. Pan-Region
 3. Monroe Doctrine
 4. Eurasianism

شکل (۳): تقسیم‌بندی کارل هاس هوفر از ابر منطقه‌ها



۶. تحلیل

در تحلیل تأثیر ژئوپلیتیک آلمان بر تحولات جنگ جهانی دوم و ارتباط ویژه هاس هوفر با نازی‌ها چند نکته را باید در نظر داشت، نخست اینکه مفاهیم ژئوپلیتیکی هاس هوفر زمانی مطرح می‌شد که چند سالی از شکست آلمان در جنگ جهانی اول و معاهده تحقیرآمیز ورسای و انزوای این کشور سپری می‌شد و تحصیل‌کردگان آلمانی در تلاش برای رهایی کشور خود از این فلاکت بودند، تلاش‌های هاس هوفر را نیز باید با در نظر گرفتن شرایط کلی آلمان پس از جنگ جهانی اول مورد ارزیابی قرار داد، از سویی هم نباید از یاد برد برخی از تاریخ‌نگاران هنوز در تردیدند که هاس هوفر با چه هدفی در سال ۱۹۲۴ و هنگامی که هس و هاس هوفر در لاندزبرگ زندانی بودند به عنوان یک استاد دانشگاه و علی‌رغم مشغله شغلی مسافت طولانی را می‌پیموده تا به آن‌ها که هنوز در سرآغاز فعالیت سیاسی بودند جغرافیای سیاسی تدریس کند و آیا او احتمال این را می‌داد که آن‌ها در آینده توانایی بالقوه عملی کردن نظریات وی را داشته باشند؟ اثری که هاس هوفر در این برهه خاص بر هیتلر گذاشت به عقیده بسیاری وی را به تأثیرگذارترین جغرافیدان جنگ جهانی دوم تبدیل نمود. هیتلر حتی در این مورد گفته است که زندان لاندزبرگ برای من مانند یک دانشگاه بود. وی در اوایل دهه ۱۹۴۰ نوشت بدون زندانی شدن هرگز

نمی‌توانست که کتاب نبرد من را به رشته تحریر در آورد (Herwig,2010:10). ادموند والش بر این عقیده است که هر کسی با مطالعه کتاب نبرد من هیتلر بویژه در فصل ۱۴ می‌تواند رد پای هاس هوفر را در این کتاب متوجه شود (Walsh,1948:42). نکته‌ای که می‌توان با روش هرمنوتیک زوایای بیشتری از آن را مورد بررسی قرار داد، هیتلر همچنین در کتاب نبرد من به اهمیت توجه به فضا برای کشور آلمان اشاره می‌کند و وسعت را برای ادامه حیات و امنیت کشور در برابر تهاجم خارجی ضروری می‌داند، هاس هوفر در مقدمه چاپ کتاب خود در سال ۱۹۴۰ با افتخار به این نکته اشاره می‌کند که چگونه یک نسخه از کتاب جغرافیای سیاسی راتزل را در دیدار خود از زندان لاندزبرگ در ۱۹۲۴ در اختیار هس و هیتلر قرار داد و از بابت مطالعه کامل آن مطمئن شد (Bassin,1987:127).

در مقابل هاس هوفر از نگاه نخبگان متفکین همواره چهره‌ای شیطانی و اغراق شده داشته است تا جایی که تبلیغات سیاسی متفکین وی را مسئول بسیاری از اموری می‌دانستند که در واقع ارتباطی به هاس هوفر نداشت. در آمریکا برای مثال هاس هوفر مغز متفکر پشت پرده آلمان نازی قلمداد می‌شد، بسیاری در آن سال‌ها تصور می‌کردند دانشمندان در موسسه وی در حال تدوین استراتژی‌های گسترش ناسیونال سوسیالیسم هستند. یکی از نخستین افرادی که هاس هوفر را مورد انتقاد قرار داد رابرت اشتراس هوپ^۱ بود. وی یک تئوریسن مسایل استراتژیک اتریشی‌الاصل بود و در ایالات متحده زندگی می‌کرد او در اثر خود با عنوان " ژئوپلیتیک: تنازع برای فضا و قدرت " خطر ایده‌های هاس هوفر را یادآور شد (Granieri,2015:494). نشریه‌های نیو استیتسمن^۳ و نیشن^۴ در ۲۶ اوت ۱۹۳۹ پیمان عدم تجاوز میان شوروی و آلمان معروف به معاهده ریبین تروب - مولوتوف^۵ را حاصل تلاش‌ها و اندیشه‌های هاس هوفر عنوان کردند. دلیلی

1.Robert Strausz-Hupé

۲. وی بعدها استاد دانشگاه پنسیلوانیا و همچنین سفیر آمریکا در ترکیه و چندین کشور دیگر شد و در سالیان بعد اندیشکده موسسه تحقیقات سیاست خارجی FPRI را در ایالات متحده بنیان نهاد او همچنین نقش مهمی در جلب نظر ایالات متحده به توسعه و مطالعات ژئوپلیتیک ایفا نمود.

3.The New Statesman

4.Nation

5. Molotov–Ribbentrop Pact

اکسپرس (Daily Express) حتی پار را فراتر گذاشت و چهار ماه بعد از آن اعلام کرد هاس هوفر چهره پشت پرده این جنگ است و آن را جنگ هاس هوفر نامید.

نشریه آلمانی زبان صحنه جهانی که در تبعید در پاریس منتشر می شد در شماره ژانویه ۱۹۴۰ نوشت " هر آنچه که هیتلر در آرزوی انجام آن است یا انجام داده همه برنامه های کارل هاس هوفر ژئوپلیتسین آلمانی است، او است که طراحی می کند، برنامه ریزی می کند و پیشنهاد می دهد، هیتلر تنها مجری است و اطاعت کننده است. نشریه ریدرز دایجست آدر شماره نوامبر ۱۹۴۱ مدعی شد هاس هوفر در مونیخ مسئولیت موسسه ای با نام موسسه ژئوپلیتیک را برعهده دارد که بالغ بر ۱۰۰۰ نفر در آن مشغول بکار هستند و برنامه های هیتلر در آنجا طراحی می شود (Herwig, 1999:218) پترسون اشاره می کند که چگونه نشریه ریدرز دایجست درست در همان روزی این ادعا ها را در مورد هاس هوفر مطرح نمود که ارتش آلمان به شوروی حمله کرد، درحالی که در واقع هاس هوفر در تمامی نوشته هایش بر صلح و همکاری میان آلمان و شوروی تاکید کرده بود (Paterson, 1987:107). هم زمان دستگاه پروپاگاندا ایالات متحده در فیلم هایی از جمله چرا می جنگیم؟^۳ محصول سال ۱۹۴۳ به کارگردانی فرانک کاپرا^۴ و یا فیلم تبلیغاتی برنامه ویرانی^۵ به بازنمایی منفی و ارائه چهره شیطانی از ژئوپلیتیک به عنوان یک دانش نازی پرداخت. بارنز و آبراهامسون نیز به نقل از جاکوبسن (Jacobson) در پژوهش خود اشاره می کنند که از دید غربی ها هیتلر تنها یک عوام فریب بود و هاس هوفر نقش اصلی در دکتترین نازی ها را ایفا می کرد (Barnes and Abrahamsson, 2014:66).

با این حال بخش عمده ای از اخباری که در مورد موسسه ژئوپلیتیک و اقدامات آن توسط رسانه های آمریکایی مطرح می شد واقعیت نداشت، به طوری که پس از شکست آلمان توسط متحدین بسیاری منتظر تشکیلات عظیمی در این رابطه بودند اما تنها با هاس هوفر در یک دفتر

-
1. Die Weltbühne
 2. Reader's Digest
 3. Why We Fight
 4. Frank Capra
 5. Plan for Destruction

کار ساده در دانشگاه روبرو شدند (Barnes and Abrahamsson, 2014: 69). بنابراین می‌توان گفت بخش اعظمی از این ادعاها در مورد هاس‌هوفر که در سال‌های بعدی بر روی ژئوپلیتیک نیز تأثیر منفی داشت ناشی از گزارشات دستگاه‌های رسانه‌ای متفقین بود که در آن‌ها بزرگ‌نمایی و دروغ‌پردازی صورت می‌پذیرفت.

هم‌چنین باید توجه داشت اتهامات همکاری با نازی‌ها از سوی خود هاس‌هوفر قویاً رد شد، وی در این مورد اظهار داشته بود که سه سال توسط نازی‌ها در حبس قرار داشته و نشریه‌اش ژورنال ژئوپلیتیک هم توسط نازی‌ها تعطیل شد. در طی محاکمات دادگاه نورنبرگ باور نسبتاً زیادی مبنی بر مجرم بودن هاس‌هوفر وجود داشت، بر همین اساس وی به دفعات مورد پرسش قرار گرفت، نکته جالب در این بین این بود که وی توسط ادموند والش مورد پرس و جو قرار گرفت. ادموند والش یک کشیش مسیحی، افسر ارتش ایالات متحده، مسلط به زبان آلمانی و از همه مهم‌تر استاد جغرافیای سیاسی در دانشگاه جرج تاون و متخصص ژئوپلیتیک آلمان و مسلط به نظریات هاس‌هوفر بود (McNamara, 2005: 125). اینجا هاس‌هوفر نفوذ عقاید خود بر هیتلر را کمرنگ برشمرد و اعلام کرد که هیتلر هرگز مفاهیم عمیق دانش ژئوپلیتیک را به درستی درک نکرده بود.

از سوی دیگر به عقیده بسیاری میزان تأثیر آرای هاس‌هوفر بر خلاف دانشمندان و مهندسان بسیاری که مستقیماً در صنایع نظامی و غیره در آلمان فعالیت می‌کردند نفوذ نمادینی بر کل ساختار آلمان نازی داشت که اثباتش به راحتی و به شکل بقیه ممکن نبود، هاس‌هوفر در جریان این مباحثات عنوان نمود که جرمی متوجه او نیست و هیتلر و هس در برداشت تئوری‌های وی دچار کم‌فهمی و اشتباه شده‌اند و اینکه هیتلر هرگز به درستی مفهوم ژئوپلیتیک را متوجه نشد. وی در جایی حتی اشاره کرده بود که ریبن تروپ وزیر امور خارجه آلمان نازی توانایی خواندن نقشه به طور صحیح را نداشته است (Walsh, 1948). البته با توجه به مجازات جنایت جنگی یعنی اعدام، چنین پاسخی از هاس‌هوفر عجیب نبود. البته هنوز هم اختلاف نظر میان پژوهشگران در مورد میزان ارتباط هاس‌هوفر با نازی‌ها وجود دارد، برای نمونه نمی‌توان این امر را نادیده گرفت که خدمتی که هاس‌هوفر به نازی‌ها کرد قابل قیاس با هیچ یک از دانشمندان و اندیشمندان

همکار نبود (Biddle, 2012) برخی بر این باورند که بر همین اساس هاس هوفر تنها همانند یک مهندس یا مسئول پروژه نبود که از دستور العمل‌های بالا اطاعت کند بلکه وی خود دستورالعمل‌ها را خلق کرده بود (Barnes and Abrahamsson, 2014: 68).

با این حال و علی‌رغم نظریات مختلف در مورد تأثیر هاس هوفر، نکته‌ای که معمولاً در پژوهش‌ها به آن توجه نمی‌شود و می‌تواند پاسخگوی برخی اتهامات بر علیه هاس هوفر باشد وجود اختلافات هاس هوفر با نازی‌ها بوده است. طبق اسناد، علی‌رغم نفوذ وی رابطه‌اش با نازی‌ها همیشه هم دوستانه نبود و در برخی موارد نشانه‌هایی از اختلاف نظر جدی در آن مشاهده می‌شد که سرانجام به تقابل نازی‌ها با وی و خانواده‌اش منجر شد. این اختلافات ابتدا مواردی جزئی‌تر را شامل می‌شدند، برای مثال هاس هوفر از مرور و معرفی کتاب نبرد من در ژورنال ژئوپلیتیک خودداری نمود (Norton, 1968). هم‌چنین یکی از کتاب‌های منتشر شده‌ی هاس هوفر در مورد مرزها و آلمانی تبارهای خارج از خاک رایش آلمان مورد اعتراض موسولینی قرار گرفته بود و جمع‌آوری شد. با این حال مهم‌ترین و اصلی‌ترین مشکل وی با نازی‌ها پس از پرواز رودلف هس به اسکاتلند ایجاد شد، هاس هوفر در پی پرواز هس به اسکاتلند در سال ۱۹۴۱ نفوذ خود در رژیم نازی را به طور کامل از دست داد، هم‌چنین اختلاف‌نظراتی نیز میان هیتلر و هاس هوفر وجود داشت که مهم‌ترین آن‌ها بحث حمله به شوروی بود که خلاف نظریات هاس هوفر محسوب می‌شد. وی در اواخر دوران جنگ اعتقاد داشت که نازی‌ها مفاهیم ژئوپلیتیک را سوء برداشت کرده‌اند و آن را به درستی درک نکردند. هم‌چنین نباید از یاد برد که هاس هوفر همسر یهودی داشت و فرزندانش نیز طبق قانون جدید از خون آریایی خالص برخوردارند نبود و این امر تناقضی را در شیوه رفتار نازی‌ها با خانواده وی ایجاد می‌نمود هس در طی آن سال‌ها یک نوشته جهت حفاظت از آن‌ها به عنوان آریایی افتخاری در اختیار خانواده هاس هوفر گذاشته بود، حمایتی که تنها تا زمان پرواز هس به اسکاتلند فایده داشت، (Barnes and Abrahamsson, 2014: 64) بعضی معتقدند به دلیل نزدیکی رودلف هس و خانواده هاس هوفر، آلبرشت هاس هوفر حتی از قصد پرواز هس به بریتانیا از پیش خبر داشته است. هاس هوفر نیز

در پی این واقعه از سوی گشتاپو مورد بازجویی قرار گرفت و به تدریج کنار گذاشته شد. از آن هنگام به بعد رابطه هاس هوفر با نازی‌ها رو به روز کم‌رنگ تر شد.

احساس پشیمانی از همکاری با نازی‌ها سرانجام آلبرشت (فرزند هاس هوفر) را بر آن داشت تا کم‌کم به جرگه مقاومت علیه هیتلر نزدیک شود. پس از اقدام نافرجام اشتافنبرگ در ترور هیتلر و کشف ارتباط میان آلبرشت با توطئه‌کنندگان وضعیت کارل هاس هوفر از پیش هم وخیم‌تر شد، در پی ترور نافرجام هیتلر توسط اشتافنبرگ در ۲۰ جولای ۱۹۴۴ آلبرشت به عنوان یکی از توطئه‌کنندگان مورد پیگرد قرار گرفت و خانواده وی به کمپ داخائو انتقال یافتند، آلبرشت پس از مدتی دستگیر و در زندان گشتاپو در برلین زندانی شد. آلبرشت هاس هوفر در زندان سروده‌هایی دارد که در آن‌ها پدرش را مسئول همکاری با نازی‌ها می‌داند. وی در این سروده‌ها هیتلر را به دیو تشبیه می‌کند که شر (نازیسم) را گسترش داد و پدرش را مشوق آن می‌داند (Brodersen, 1978: 165) او در ۲۲ آوریل ۱۹۴۵ در حالی که نیروهای روس به حومه برلین رسیده بودند به همراه عده ای دیگر از زندانیان توسط نازی‌ها اعدام شد. پس از پایان جنگ تمام کرسی‌های تدریس هاس هوفر از وی گرفته شد. در سال ۱۹۴۶، او با خوردن قرص آرسنیک همراه با همسرش به زندگی خود پایان داد.

قابل توجه است که هاس هوفر حداقل در سه سال پایانی رژیم نازی تحت تعقیب نازی‌ها بود و مجله‌اش نیز تعطیل گردید. وی در وصیت‌نامه‌ای که برای تنها پسر بازمانده‌اش نیز گذاشته بود خواسته بود هیچ‌گونه مراسمی برای وی گرفته نشود و نوشته بود "من می‌خواهم به فراموشی سپرده شوم" و البته همین هم شد. تقریباً پس از سال ۱۹۴۵ ژئوپلیتیک عنوان یک دانش نازی‌ها شناخته و مدت‌ها به عرصه فراموشی سپرده شد.

فلینت به نقل از اتوتایل معتقد است هاس هوفر بر خلاف ادعای مجله لایف در سال ۱۹۳۹ فیلسوف نازیسم نبود و تفاوت‌های دیدگاهی متعددی بین آن‌ها وجود داشت، از آن جمله نگاه

۱. هنوز مورخین در مورد علل واقعی و نیت واقعه پرواز هس به اسکاتلند اتفاق نظری ندارند، برخی آن را تلاشی ناکام برای برقراری صلح میان آلمان و بریتانیا تلقی می‌کنند ولی آنچه مسلم است وی در تلاش خود ناموفق بود، دولت آلمان از حمایت از وی خودداری کرد و مقامات بریتانیا نیز وی را جدی نگرفتند، وی پس از آن زندانی شد و بعد از پایان جنگ نیز به حبس ابد محکوم گردید.

هاس هوفر در چارچوب روابط جغرافیایی و فضایی بود اما در مورد هیتلر بحث اصلی نژاد بود که سیاست‌های ژئوپلیتیکی وی را تعیین می‌کرد (Flint 2006:21).

امروزه می‌توان گفت احتمالاً برخی از سران با تحصیلات کم نازی حتی اندیشه‌های ژئوپلیتیکی هاس هوفر را به طور واقعی درک هم نمی‌کردند، هاس هوفر معتقد به پایبند بودن آلمان به معاهده عدم تجاوز با شوروی بود و بر اساس نظریه ابر مناطق برای روس‌ها، ژاپنی‌ها و آمریکایی‌ها حوزه مستقلی قائل بود، حمله آلمان به شوروی و اعلان جنگ به ایالات متحده عملاً برخلاف نظریات وی بود. در واقع متفکین در نقش هاس هوفر در این مورد قدری اغراق کرده‌اند و بدون شک رایش سوم تنها بر پایه عقاید هاس هوفر شکل نگرفت و عوامل زیادی در آن نقش داشتند، هیتلر نیز در هیچ یک از سخنرانی‌ها یا نوشته‌های خود مستقیماً به شخص هاس هوفر اشاره نکرد و حتی واژه ژئوپلیتیک را مستقیماً بکار نبرده است (Herwig 1999:225).

در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم ژئوپلیتیک اسمی مطرود و از نظر علمی در حال رکود شد (Mirheydar, 2010:419) در واقع عمده رکودی که ژئوپلیتیک در طی دهه‌های بعد از پایان جنگ جهانی دوم تجربه کرد ناشی از اتهاماتی بود که به شکلی یک‌جانبه ژئوپلیتیک را به عنوان دانشی نازی مقصر فجایع این جنگ نشان می‌داد.

۷. نتیجه‌گیری

بعد از به قدرت رسیدن هیتلر در سال ۱۹۳۳ مفاهیم ژئوپلیتیک به عرضه عملی نزدیک شدند. اوج این موفقیت در کنفرانس مونیخ بود که هاس هوفر از آن به عنوان روز نیک ژئوپلیتیک یاد می‌کند، چرا که تئوری به مرحله واقعیت رسید و نظم جدیدی بر اساس رایش آلمان شکل گرفت. مسلماً هاس هوفر هرگز تصور آن را نمی‌کرد هیتلر روزی پیشوای آلمان نازی شود و کتاب نبرد من بیش از ۱۲ میلیون نسخه منتشر بشود و اساس اندیشه نازیسم قرار گیرد. در بخشی از فصل چهاردهم کتاب نبرد من می‌توان به راحتی حضور هاس هوفر را حس کرد که در آن قسمت به واژه فضای حیاتی هم اشاره شده است در اینجا فضای حیاتی تمامی تلاش‌های آلمان برای توسعه‌طلبی ارضی را توجیه می‌کند. در همین حال شرایط تحقیر آمیز معاهده ورسای هدف ژئوپلیتیک آلمانی و روشنفکران آن را به سمت تجدیدنظرطلبی و تلاش برای اعاده حیثیت و

پرستیژ این کشور در آن سال‌ها سوق میداد. مشاوره‌ها و اطلاعات علمی که هاس‌هوفر در سال‌های ابتدایی پیش از به قدرت رسیدن هیتلر در زمینه مسائل بین‌المللی و جغرافیای سیاسی به وی داد بنیان سیاست خارجی آلمان نازی را بنا نهاد.

با این حال یافته‌های این پژوهش نشان داد که اگرچه هاس‌هوفر در توسعه ژئوپلیتیک آلمانی نقش برجسته‌ای داشته اما نمی‌توان مسئولیت رخدادهای جنگ جهانی دوم را به شکل یک‌طرفه برگردن ژئوپلیتیک انداخت، خصوصاً این که تأثیرات عمده هاس‌هوفر و همکاری وی مربوط به دهه ۱۹۳۰ بوده و حداقل در سه سال پایانی جنگ به طور کامل مورد غضب نازی‌ها قرار داشت و در واقع زندگی شغلی هاس‌هوفر در پی پرواز هس به اسکاتلند در روز دهم ماه مه ۱۹۴۱ متوقف شد. لذا همان طور که بررسی شد بسیاری از روایت‌ها که از سوی متفکین مطرح شده است و برای دهه‌ها نقل شده به نوعی بزرگ‌نمایی و اغراق بوده که از آن جمله می‌توان به گزارش مجله لایف اشاره نمود که هاس‌هوفر را مغزی متفکر و مسئول یک موسسه عریض و طویل با هزاران کارمند معرفی می‌کرد و این روایت‌ها باعث افول چند دهه‌ای ژئوپلیتیک در محافل آکادمیک گردید.

این پژوهش هم‌چنین نشان داد هاس‌هوفر تنها در بخشی از سیاست‌های آلمان نازی که اتفاقاً جزو تصمیم‌های موفق این رژیم بوده تأثیرگذار بوده که از آن جمله می‌توان حمایت وی از هیتلر مبنی بر خروج از جامعه ملل، حمایت از نظامی‌شدن راینلند، بهره‌گیری از روابط خود در ژاپن و عملی کردن معاهده ضد کمینترن در سالهای ۱۹۳۷-۱۹۳۶، مشاوره به هیتلر در کنفرانس مونیخ در سال ۱۹۳۸، پشتیبانی از تصمیم آلمان نسبت به امضای معاهده عدم تجاوز آلمان-شوروی در سال ۱۹۳۹ اشاره نمود، در مقابل وی مخالف سرسخت حمله به شوروی و اعلان جنگ به آمریکا بود.

باید توجه داشت تأثیر هاس‌هوفر در توجیه علمی سیاست‌های آلمان نازی خصوصاً از طریق رادیو که میلیون‌ها مخاطب برای وی فراهم کرده بود از یک سو و ده‌ها کتاب و مقاله که به مفاهیمی مانند فضای حیاتی مورد نیاز آلمان می‌پرداخت و از همه مهم‌تر آشنا کردن هیتلر با مفاهیم ژئوپلیتیک به عنوان یک آموزگار امری است که در نهایت از وی چهره‌ای پرمباحثه

می‌سازد که پژوهشگران نیز در مورد میزان مسئولیت وی در اقدامات بعدی نازی‌ها اختلاف نظر دارند. آمریکایی‌ها نیز با اغراق و سیاه‌نمایی از میزان نفوذ شخص هاس هوفر و تأثیر ژئوپلیتیک بر پایه تئوری توطئه سعی در تأثیر بر افکار عمومی داشتند و حتی سال‌هایی که وی به دلیل اختلافات کنار گذاشته شده بود وی و دانش ژئوپلیتیک را عامل وقوع جنگ می‌دانستند، چنین پروپاگاندايي در سال‌های جنگ جهانی دوم به شکل زیادی علیه ژئوپلیتیک آلمانی و نازی‌ها مطرح می‌شد امری که یک دهه بعد خود را به کمونیسم هراسی و مک کارتیسم داد.

۸. قدردانی

نگارندگان بر خود لازم می‌دانند از سرکار خانم پروفیسور دره میرحیدر بابت طرح اهمیت موضوع و زحمات ایشان تشکر و قدردانی داشته باشند.

References

1. Barnes, T; Abrahamsson, C. (2014). Tangled complicities and moral struggles: The Haushofers, father and son, and the spaces of Nazi geopolitics, *Journal of Historical Geography*. Doi: 47. 10.1016/j.jhg. 2014.10.002.
2. Bassin M. (1987). Race contra space: the conflict between German Geopolitik and National Socialism, *Political Geography Quarterly*, Vol 6 115-134 [https://doi.org/10.1016/0260-9827\(87\)90002-4](https://doi.org/10.1016/0260-9827(87)90002-4).
3. Biddle W. (2012). *Dark Side of the Moon: Wernher von Braun, the Third Reich, and the Space Race*, New York.
4. Blouet, B. W. (1987). *Halford Mackinder: A Biography*, College Station: Texas A&M University Press.
5. Brodersen, A (1978). Albrecht Haushofer 1903-1945, in: A. Haushofer, *Moabit Sonnets*, trans. M. D. Herter Norton, New York.
6. Darabadi, P (2014). Geopolitics and World War II , *Newtimes.az Analytical Information Portal* <http://newtimes.az/en/geopolitics/3015>.
7. Dorj, H.; Tabatabai, S. (2019). Ukraine's Geopolitical Role in the New American and Russian Confrontation,. *Geopolitics Quarterly*, 15(54), 1-30. **[In Persian]**
8. Edoardo, B (2008). Geopolitical Maps: A Sketch History of a Neglected Trend in Cartography, *Geopolitics*, 13:2, 278-308 <https://doi.org/10.1080/14650040801991522>.
9. Facinghistory (2019). *Facing History and Ourselves* website: <https://www.facinghistory.org/resource-library/image/growth-nazi-germany>.
10. Fettweis, C. (2015). On Heartlands and Chessboards: Classical Geopolitics, Then and Now. *Orbis*. 59. 10.1016/j.orbis.2015.02.005. <https://doi.org/10.1016/j.orbis.2015.02.005>.
11. Fischer, A. (2013). Haushofer, Karl Ernst, in: D. Coetzee, L.W. Eysturli (Eds), *Philosophers of War: The Evolution of History's Greatest Military Thinkers*, Volume 2, Santa Barbara.
12. Flint, C (2006). *An Introduction to Geopolitics*, London: Routledge.
13. Gottman, J (1942). "The Background of Geopolitics," *Military Affairs*, Vol. 6, No. 4.
14. Granieri R. J. (2015). What is Geopolitics and Why Does It Matter? *Foreign Policy Research Institute*. <https://doi.org/10.1016/j.orbis.2015.08.003>.
15. Hafeznia, M. (2007). A new Concept of the Heartland, *Geopolitics Quarterly*, 3(8), 1-5. **[In Persian]**
16. Hafeznia, M. (2014). A New Approach to the History of Political Geography in the World, *Geopolitics Quarterly*, 10(33), 1-36. **[In Persian]**
17. Hafeznia, M. (2011). *Principles and Concepts of Geopolitics*, Mashhad: Papoli Publications. **[In Persian]**

18. Herwig, H. (1999). Geopolitik: Haushofer, Hitler and lebensraum, *Journal of Strategic Studies*, 22:2-3, 218-241, DOI: 10.1080/01402399908437762.
19. Herwig, H. (2010). The daemon of geopolitics: Karl Haushofer, Rudolf Hess, and Adolf Hitler, <http://www.usafa.edu/df/dfh/docs/Harmon53.pdf>.
20. Hitler, A (1926). *Mein Kampf*, Volume 2, chapter 14, Eastern orientations or Eastern policy, http://www.hitler.org/writings/Mein_Kampf/.
21. Jacobsen, H.A (1979). *Karl Haushofer: Leben und Werk*. 2 vols. (= Schriften des Bundesarchivs 24) Harald Boldt Verlag, Boppard.
22. Karami, A.; Mousavi, S. (2019). Geopolitical Elements and Components of Trump Foreign Policy against Islamic Republic of Iran. *Geopolitics Quarterly*, 15(55), 156-181. **[In Persian]**
23. Kershaw (1998). *Hitler, 1889-1936: Hubris*: London
24. Kitsikis, D. (2017). The Difficulty of Being a Geo Politician and a World Historian. *Arts & Humanities Open Access Journal*. <https://doi.org/10.15406/ahoaj.2017.01.00001>.
25. Mavric, B. (2017). Political Geography into Geopolitics – The Geopolitics of Decline, *ILIRIA International Review – Vol 7, No 2* DOI: 10.21113/iir.v7i2.321.
26. McNamara, P. (2005). *A Catholic Cold War: Edmond S. Walsh, S.J. and the Politics of American Anticommunism*, New York.
27. Mirheydar, D (2010). *Tracing Readings of a Political Geographer During the Past Five Decades*. Mashhad: Papoli Publications. **[In Persian]**
28. Mirheydar, D.; Hamidinia, H. (2006). Methodology and Concepts in Political Geography and International Relation: A Comparative Study, *Geopolitics Quarterly*, 2(3), 1-41. **[In Persian]**
29. Murphy, D. T. (1997). *The Heroic Earth: Geopolitical Thought in Weimar Germany, 1918-1933*, Kent, OH.
30. Natter W.(2003). Geopolitics in Germany, 1919-1945: Karl Haushofer and the *Zeitschrift für Geopolitik*, in: J. Agnew, K. Mitchell, G. Toal (Eds), *The Companion to Political Geography*, Oxford, 187-203.
31. Norton D. H. (1968). *Karl Haushofer and the German Academy*, *Central European History* 1 80-99.
32. O'Loughlin, J; Vander Wusten, H (1990). The Political Geography of Panregions. *Housing Studies* . 80. 10.2307/215894.
33. Paterson, J. H. (1987). 'German Geopolitics Reassessed', *Political Geography Quarterly* 6/2 pp. 107–114; DOI: 10.1016/0260-9827(87)90001-2.
34. Rahimi, H.; Hafeznia, M.; Ezzati, E.; Agnew, J. (2019). Determining the Status of Applied Recommendations in Geopolitical Theories of Classical Period, *Geopolitics Quarterly*, 15(55), 1-24. **[In Persian]**
35. Ratzel, F (1897). *Politische Geographie* (Munich: R. Oldenbourg).

36. Saha, R (2020). Revisiting the Borders of Geopolitics. The geopolitics, <https://thegeopolitics.com/revisiting-the-borders-of-geopolitics/>.
37. Said Ali, A.M (2019). The Return of Geopolitics, The Cairo review, <https://www.thecairoreview.com/essays/the-return-of-geopolitics/>.
38. Schone, M (1997). Media Circus: All Hitler All the Time http://www.salon.com/1997/05/08/media_90.
39. Smith, W. D. (1980). Friedrich Ratzel and the origins of Lebensraum, *German Studies Review* 3, 51-68.
40. Suppan, A (2019). "Hitler's Occupation of Czechoslovakia". *Hitler–Beneš–Tito: National Conflicts, World Wars, Genocides, Expulsions, and Divided Remembrance in East-Central and Southeastern Europe, 1848–2018*. Vienna: Austrian Academy of Sciences Press. pp. 373–402. doi:10.2307/j.ctvvh867x.13. ISBN 978-3-7001-8410-2. JSTOR j.ctvvh867x.
41. Third Reich (2019). "Germany and its Lebensraum," *Young American Republic*, accessed December 22, 2019, <http://projects.leadr.msu.edu/youngamerica/items/show/158>.
42. Thorndike, J. (1939). Geopolitics: the lurid career of a scientific system which a Briton invented, the Germans used and Americans need to study, *Life Magazine* 16th December, 106-115.
43. Walsh, E. A. (1948). (S.J.), *Total Power: A Footnote to History*, New York.
44. Wildman, S. (2017). German Neo-nazis Are Planning To Rally Outside Berlin Saturday <https://www.vox.com/world/2017/8/17/16162138/neo-nazis-spandau-berlin-rudolf-hess-30th-anniversary-death-rally-weeken>.